

## دادرسی الکترونیکی در رویارویی با جرایم رایانه‌ای: چالش‌ها و بایسته‌ها

حسنعلی مؤذن‌زادگان\*

نرجس روستا\*\*

### چکیده

دادرسی الکترونیکی به معنای ابتدای فرآیند رسیدگی کیفری بر تجهیزات الکترونیکی، ثبت، پردازش و تبادل اطلاعات است که به عنوان پدیده‌ای جدید به همراه رایانه‌ای شدن امور مطرح شده و فرض بر آن است که نقش به‌سزایی در روزآمد، کم‌هزینه و عادلانه کردن رسیدگی کیفری دارد.

از منظر تقنینی، «دادرسی الکترونیکی» عنوان مبهمی در بخش نهم قانون آیین دادرسی کیفری است که صرفاً به پشتوانه پیش‌بینی در قانون مطرح شده است و با دادرسی جرایم رایانه‌ای یکی نیست. میان این دو رابطه عموم و خصوص من‌وجه برقرار است؛ چنان که در دادرسی الکترونیکی تلاش می‌شود تا فرآیند رسیدگی کیفری نسبت به عموم جرایم با استفاده تجهیزات الکترونیکی و در فضای سایبر انجام شود. ولی در دادرسی جرایم رایانه‌ای، از امکانات و فرآیندها برای کشف، اثبات و پیگیری جرایم رایانه‌ای استفاده می‌شود که ممکن است بعضاً با فرآیند کیفری سنتی انجام شود. با این حال چون دادرسی جرایم رایانه‌ای، یکی از صورت‌های دادرسی کیفری افتراقی است و در قانون آیین دادرسی کیفری نیز از همین وجه مورد تأکید قرار گرفته است، وجه افتراق استفاده از رایانه برای رسیدگی به جرم رایانه‌ای است. به سخن دیگر، همچنان که مرتکب با استفاده از رایانه، مرتکب جرم رایانه‌ای شده است؛ با بهره‌گیری از امکانات و ظرفیت‌های محیط رایانه، به اتهام وی رسیدگی شود. در این صورت دادرسی جرایم رایانه‌ای در بطن دادرسی الکترونیکی قرار می‌گیرد و با آن رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** دادرسی الکترونیکی، جرایم رایانه‌ای، دادرسی کیفری افتراقی، فرآیند کیفری.

\* عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول) Moazenzadegan@gmail.com

\*\* کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه علامه طباطبایی N.roosta84@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۵/۲۲

## مقدمه

دادرسی الکترونیکی عنوانی است که به طور صریح در قانون آیین دادرسی کیفری آمده است، ولی دادرسی منصفانه یا تعابیر مرتبط مانند منصفانه بودن دادرسی کیفری در قوانین کیفری کنونی به صراحت پیش‌بینی نشده‌اند. سنجش دادرسی الکترونیکی که جایگاه قانونی دارد، با دادرسی منصفانه که جایگاه قانونی از جهت عنوان یا تعریف مشخص قانونی ندارد و تأثیر مثبت یا منفی دادرسی الکترونیکی بر دادرسی منصفانه، نقطه حرکت این تحقیق است.

دادرسی کیفری به عنوان فرآیند رسیدگی جرم از گام کشف جرم و پیگرد متهم تا اجرای حکم، صوری و تشریفاتی است. ویژگی صوری و تشریفاتی دادرسی کیفری سبب می‌شود تا حقوق کیفری شکلی همانی باشد که شهروندان می‌توانند در جامعه ببینند و ارزیابی کنند. بنابراین دادرسی کیفری در کنار دیگر فعالیت‌های اجتماعی قرار می‌گیرد که بسته به تحولات و پیشرفت‌های اجتماعی، متحول می‌شود. تحول دادرسی کیفری به ویژه در اثر پیشرفت‌های الکترونیکی و انفورماتیکی، امری طبیعی است؛ همچنان که دیگر حوزه‌های عینی و فعالیت محور نیز تحت تأثیر این پیشرفت‌ها قرار می‌گیرند. به همین دلیل دادرسی کیفری الکترونیکی به عنوان جدیدترین تحول عمده در حقوق کیفری شکلی، بخشی از پروژه کلان دولت الکترونیک است.

الکترونیکی کردن دادرسی کیفری، برنامه‌ای است که به طور آگاهانه و کارشناسی شده درصدد برقراری ارتباط بین قضاوت عادلانه‌تر و قانونی‌تر، با امکانات فضای سایبر و ابزارهای الکترونیکی است. این رویکرد در نقطه مقابل الکترونیکی شدن دادرسی کیفری که یک فرآیند است، قرار می‌گیرد؛ به این مضمون که امکانات فضای سایبر می‌تواند به سرعت بخشی در امر قضاوت کیفری و کاهش هزینه‌های آن منجر شود. ولی محور اساسی مسأله در این است که سرعت بخشی به قضاوت کیفری و کاهش هزینه‌های دادرسی کیفری در برابر عادلانه‌تر شدن و قانونی‌تر شدن دادرسی کیفری تا چه میزان ارزش محسوب می‌شود. به سخن دیگر رابطه امکانات و ابزارهای الکترونیکی و قضاوت کیفری بر محوریت بستر انجام قضاوت کیفری است یا با محوریت رسالت قضاوت کیفری.

الکترونیکی شدن دادرسی کیفری بستر جدیدی برای قضاوت طراحی می‌کند ولی لزوماً رسالت‌های دادرسی کیفری را تأمین نمی‌کند. از این رو طرح برنامه‌ای آگاهانه و کنترل شده با عنوان الکترونیکی کردن دادرسی کیفری ضرورت دارد. با این حال ضرورت انتخاب عنوان تحقیق و مسیر آن هنوز وابسته یک پرسش بنیادین است که آیا اساساً دادرسی کیفری نیاز به الکترونیکی کردن دارد یا خیر.

از یک سو فرآیند دادرسی کیفری نگاه عینی و ظاهری به اصحاب و اجزای پرونده کیفری دارد. در فرآیند رسیدگی کیفری قاضی باید اصحاب دعوی را ببیند، متهم در دسرهای تحقیقات مقدماتی و قرارهای تأمین و حضور در دادگاه را بچشد و بزه دیده به همراه شهروندان جامعه شکوه نمادهای عدالت کیفری را به عینه ببیند. شاید هیچ مقوله‌ای در زمان حاضر به اندازه عدالت کیفری به حقوق طبیعی نزدیک نیست و حقوق طبیعی ریشه در فطرت و طبیعت انسانی دارد. پس نمی‌توان دادرسی کیفری را از ماهیت اصلی و ذاتی خود دور کرد و آن را در فضای سایبر جای داد.

ولی از طرف دیگر الکترونیکی شدن، موج یا برنامه فراگیر است که همه شئون زندگی اجتماعی و فردی بشر را تحت تأثیر قرار داده است، عدم بهره‌گیری از امکانات و ابزارهای الکترونیکی برای فرآیند کیفری به منزله جزیره‌ای کردن دادرسی کیفری و دور کردن آن از واقعیت‌های اجتماعی است. در عین حال، رایانه‌ای کردن یا رایانه‌ای شدن شئون دیگر زندگی اجتماعی با هدف و فلسفه تسهیل زندگی بشر بوده است و قرار نیست که فضای سایبر و شبکه‌های مجازی، زندگی جایگزین برای بشر تعیین کند؛ بلکه فضای سایبر و امکانات آن دستاوردی برای بهتر و راحت‌تر زیستن است. بنابراین انطباق رایانه‌ای کردن با دیگر شئون اجتماعی ضرورتاً به منزله نیاز فرآیند رسیدگی کیفری به رایانه‌ای شدن نیست. ضمن اینکه به لحاظ تطبیقی نیز غالب کشورهای که برنامه فراگیر و منظم برای رایانه‌ای کردن کلیه امور پیاده کرده‌اند، نسبت به فرآیند رسیدگی کیفری چنین برنامه‌ای اعمال نکرده‌اند و یا نسبت به اعمال آن مردد هستند. از جهت معیارهای الکترونیکی کردن دادرسی کیفری، بر فرض آنکه ضرورت آن پذیرفته شود نیز این چالش وجود دارد که الکترونیکی کردن باید نسبت به نهادها صورت بگیرد یا نسبت به اشخاص. به عبارت دیگر الکترونیکی کردن برای تسهیل ارتباط نهادهای قضایی و آمارگیری و اطلاع‌رسانی به کار می‌آید یا نسبت به اشخاص به‌ویژه قضات، نسبت به اتخاذ رویکردهای الکترونیکی در قضاوت کیفری و تعیین مجازات‌های بیشتر به کار می‌آید و یا اینکه برای هر دو قابل تحقق باشد.

در این نوشتار به جهت رسالت دادرسی کیفری در توازن حقوق، باید به چالش‌های دادرسی کیفری الکترونیکی در این زمینه از یک سو و بایسته‌های آن از سوی دیگر پرداخته شود و پیش از این دو بحث اشاره‌ای به مفهوم دادرسی کیفری الکترونیکی می‌شود.

## ۱. مفهوم دادرسی کیفری الکترونیکی

دادرسی الکترونیکی به معنای دادرسی از طریق امکانات و ابزارهای الکترونیکی است. ولی این تعریف برای دادرسی الکترونیکی رویکردی ظاهری و ابزارگرایانه دارد

در حالی که دادرسی کیفری فرآیندی است که نهادها و موضوعات آن به ویژه با محوریت اهداف آن یعنی برقرار نظم و احیای عدالت از ظاهرش بسیار مهم‌تر است و باید روشن گردد که تعریف دادرسی الکترونیکی به چنان حوزه‌های مهمی نیز کشیده می‌شود. بر همین اساس دادرسی الکترونیکی از منظر موضوع، فرآیند و نهاد بررسی و تعریف می‌شود.

فضای سایبر و محیط‌های الکترونیکی بدون اطلاعات و داده‌ها بی‌معنا و بی‌کارکرد است. در دادرسی کیفری الکترونیکی قرار است موضوع یا محتوای پرونده‌ها به داده تبدیل شوند. بدون داده‌سازی اطلاعاتی که قبلاً بر روی کاغذ بوده‌اند و به طور ظاهری در لابلای پرونده‌ها نمود می‌یافته‌اند، نمی‌توان از دادرسی کیفری الکترونیکی سخن گفت. پس دادرسی الکترونیکی همان داده‌ای کردن اطلاعات کاغذی و شفاهی (اطلاعات سنتی) مرتبط با پرونده‌ها است. «دادرسی الکترونیک به معنای بهره‌گیری از فناوری اطلاعات در کل امور است. به نحوی که طرح شکایت، رسیدگی پرونده‌ها، ابلاغ اوراغ (اخطاریه، احضاریه و ...) و حتی بعضی از بازجویی‌ها که نیاز به حضور در دادگاه ندارند، از راه دور و از طریق اینترنت انجام شود. به معنای دیگر حذف کاغذ تا جایی که امکان دارد و استفاده از فضای مجازی اینترنت در عملیات دادرسی را دادرسی الکترونیک گویند.»<sup>۱</sup>

در دادرسی الکترونیکی موضوع محور، همه چیز ثبت رایانه‌ای می‌شود. اساس پرونده‌ها و ترافعات در قالب همین داده‌ها نمود می‌یابد. در واقع در دادگاه‌های الکترونیکی، جلسه دادرسی بدون حضور فیزیکی خواهان و خوانده برگزار می‌شود. این جلسات دادرسی به صورت کنفرانس برخط بوده و تمامی فرآیند دادرسی در فضای بسته انجام می‌شود. مقدمات برگزاری دادگاه‌های الکترونیکی به این صورت است که اشخاص دعاوی خود را در یک دادگاه مجازی ارائه و دلایل خود را ضمیمه می‌کنند. خواهان یا شاکی پس از طی این مراحل، پرونده خود را ثبت می‌کند و شماره پرونده و رسید آن را تحویل می‌گیرد. این تعریف بر اساس استفاده از تجهیزات الکترونیکی در رویه رسیدگی کیفری تبیین می‌شود. بر این اساس، «دادرسی الکترونیکی عبارت است از فرآیند جامع رسیدگی تمام مراحل تحقیق و دادرسی و امور مرتبط با آن اعم از تنظیم و تقدیم شکوائیه، ارجاع، ابلاغ، احضار، استعلام، صدور قرار و حکم و ... به صورت الکترونیکی با کمک فناوری IT و شبکه مجازی بدون نیاز به ضبط نسخه فیزیکی

۱. میرزاپور، سلیمان؛ حیدری، ولی، «بررسی کارآمدی دادرسی الکترونیک و تحقق آن به عنوان یکی از مولفه‌های شهر الکترونیک»، در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری (مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها)، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲، ص. ۲۷۱.

پرونده، که رسیدن به این امکان نیاز به اصلاح تمام زیرساخت‌ها و گسترش استفاده از فناوری اطلاعات و شبکه در سطح جامعه را دارد.<sup>۱</sup>

تعریف فرآیندمحور از جهت به کارگیری تجهیزات الکترونیکی، متکثر و متنوع است و هر جا که امکان این باشد که رویه‌ها و فرآیندها بر اساس امکانات الکترونیکی انجام شود، داخل در این تعریف خواهد بود. تکثر و تنوع استفاده از تجهیزات الکترونیکی به گونه‌ای است که «دادخواست، ضمیمه و سایر مدارک مورد نیاز برای اقامه دعوا به اقامتگاه مجازی طرف دعوی ابلاغ می‌شود. طرف دعوی نیز برای پاسخ به ادعاهایی که علیه او مطرح شده است، می‌تواند از طریق الکترونیکی اقدام کند و به صورت برخط پاسخ دهد و دلایل و مدارک خود را ارائه یا پیوست پرونده کند. قاضی دادگاه از طریق رایانه، دلایل و مدارک طرفین را مطالعه و بررسی و در صورت نیاز به تشکیل جلسه، طرفین را از طریق پست الکترونیکی دعوت می‌کند یا اظهارات آنها را به صورت مجازی و از طریق ویدئوکنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی استماع می‌کند. سپس اوراق دادرسی به اقامتگاه مجازی اصحاب دعوی ابلاغ می‌شود و سرانجام در مرحله اجرای حکم، مسائلی مانند ابلاغ‌ها، توقیف اموال و سایر اقدامات اجرایی به صورت الکترونیکی انجام می‌شود.»<sup>۲</sup>

برای تعریف نهادمحور در ابتدا باید تعریفی از دولت الکترونیک ارائه شود. «دولت الکترونیک، به معنای تحویل و دریافت خدمات و تبادل اطلاعات به دو صورت درون‌سازمانی (دولتی) و یا برون‌سازمانی (فرا دولتی) می‌باشد که با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف فنی انجام می‌گیرد و به صورت ارتباط و تأثیر دو سویه میان دولت با شهروندان، سازمان‌های غیر انتفاعی، بازرگانان، کارمندان و خود دولت دیده می‌شود و در تعریفی دیگر دولت الکترونیک، به معنای بهینه‌سازی مستمر ارائه خدمات و حکومت‌گری از طریق تغییر شکل روابط داخلی و خارجی، توسط فناوری، اینترنت و رسانه‌های تازه است.»<sup>۳</sup> با توجه به تعریف دولت الکترونیک، دادرسی الکترونیکی به معنای تحقق بخشی از خدمات دولت در عرصه احقاق حقوق شهروندان، برقراری عدالت و ایجاد نظم عمومی با استفاده از تجهیزات الکترونیکی است.

۱. محمدزاده، مهدی، «کارآمدی دادرسی در نظام عدالت کیفری»، در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری (مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها)، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲، ص. ۲۹۸.

۲. رضوانی، سودابه؛ آقا میرسلیم، مرضیه‌سادات، «کارآمدی خدمات الکترونیکی و فناوری ارتباطات و اطلاعات در حوزه عدالت کیفری»، در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری (مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها)، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲، ص. ۳۱۶.

۳. فیضی، کامران؛ مقدسی، علیرضا، دولت الکترونیک: بازآفرینی دولت در عصر اطلاعات، تهران، انتشارات ترمه، ۱۳۸۴، ص. ۱۲.

برای ارائه تعریف از دادرسی الکترونیکی، هر سه معیار گفته شده مدنظر قرار می‌گیرد؛ ولی جنبه فرآیندمحوری دادرسی الکترونیکی قوی‌تر است. زیرا دادرسی الکترونیکی، چنان که از جهت عنوان در مباحث بعدی بررسی خواهد شد، یک پدیده مجزا و تفکیک یافته از دادرسی کیفری عمومی نیست، بلکه بستر متفاوتی با وسایل و امکانات متنوع برای تسهیل انجام خدمات قضایی است. بر این اساس باید گفت که دادرسی الکترونیکی به معنای ارائه خدمات قضایی از طریق امکانات و تجهیزات الکترونیکی است که اگر رسیدگی‌های قضایی نسبت به پرونده‌های کیفری انجام شود، می‌توان به آن دادرسی کیفری الکترونیکی خطاب کرد. به تعبیر دیگر دادرسی کیفری الکترونیکی، رسیدگی به پرونده‌های کیفری در بستر پردازش، ذخیره و تبادل اطلاعات است.

## ۲. چالش‌های دادرسی الکترونیکی در رویارویی با جرایم سایبری

رویارویی با جرایم، و به‌ویژه جرایم سایبری، متضمن رعایت اصول حاکم بر دادرسی کیفری است. دادرسی کیفری در نگاه ظاهری نه تنها باید برای رویارویی با جرم مؤثر باشد، که در نگاه باطنی، اصل قانونی و منصفانه بودن رسیدگی نیز رعایت شود. این دو نگاه خود با هم در تعارض هستند و دلیل این تعارض در نقش اصلی دادرسی کیفری است. آیا دادرسی کیفری به عنوان جنبه صوری و شکلی حقوق کیفری ماهوی در ادامه خط مقابله با پدیده مجرمانه قرار می‌گیرد یا اینکه دادرسی کیفری نگاه مقابله‌گر به جرم ندارد و برعکس در پی توجه به حقوق و منافع کسی است که جرم را انجام داده است؟ دادرسی کیفر الکترونیکی به طور ویژه در پاسخ به این پرسش بنیادین با چالش‌های عدیده‌ای روبه‌رو است که بررسی آنها به عنوان زمینه ظرفیت‌ها و بایسته‌های دادرسی الکترونیکی در رویارویی با جرایم سایبری لازم است.

نخستین چالش در قبال تهدید دادرسی کیفری الکترونیکی نسبت به دادرسی منصفانه است. ویژگی‌های خاص دادرسی الکترونیکی به گونه‌ای است که می‌تواند دادرسی کیفری را از حق محوری و انصاف دور کند. چهره ابزارمحوری، امنیت‌مداری، شتاب‌گرایی و اعتماد به روش‌های ماشینی در رسیدگی‌ها از جمله تهدیدهای دادرسی منصفانه و اصول آن است که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

### ۲-۱. تضعیف اعتبار دادرسی کیفری

عنوان «دادرسی الکترونیکی» در بخش نهم از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ رسمیت یافته است. «دادرسی الکترونیکی» همچنین یک عنوان

مرجع محسوب شده که بخشی از مقررات شکلی به آن استناد داده شده است. این نقش مرجعیت برای برخی از قواعد و نهادهای شکلی و به ویژه تعبیر «مطابق مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی «یا» با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی» در بخشی از قسمت‌های قانون می‌تواند نشان از جایگزینی دادرسی الکترونیکی به جای دادرسی کیفری سنتی باشد. جدا از این، با وجود مقررات دادرسی الکترونیکی، قانونگذار باز به طور مجزا از شیوه‌های الکترونیکی یاد کرده است که برای نمونه بند چ ماده ۲۱۷ درباره قرارهای تأمین به التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات است.

دادرسی الکترونیکی از جهت قرینه‌های قانونی در کنار دادرسی نظامی، دادرسی رایانه‌ای و دادرسی اشخاص حقوقی بیان شده که در زمره صور دادرسی کیفری افتراقی‌اند. دادرسی کیفری افتراقی یا جداگانه، در بخش‌هایی از قواعد و شیوه‌های رسیدگی، متفاوت با آیین دادرسی کیفری عام است. آیین دادرسی کیفری افتراقی بر پایه سه معیار پیش‌بینی می‌شود: «نخست، سنجه مرتکب بزه که چون متهم به بزه، دارای ویژگی‌های جداگانه نسبت به متهمان عادی است؛ باید در بخشی از فرآیند رسیدگی، گزاره‌های شکلی جداگانه‌ای اعمال گردد. آیین دادرسی جداگانه در اینجا یا سهل‌گیرانه است که نسبت به کودکان و نوجوانان، اشخاص حقوقی و عاقله اعمال می‌گردد یا سخت‌گیرانه که نسبت به نظامیان بار می‌گردد. رسیدگی به بزه‌های روحانیان با روی آوردن به آیین‌نامه ویژه روحانیت نیز در همین رسته است. سنجه دوم برای توجیه دادرسی کیفری جداگانه، ماهیت بزه است. گاهی خطرناک و بااهمیت بودن بزه دلیل دادرسی افتراقی است که بیشتر به دو دسته اقدام‌های تروریستی و جرایم اقتصادی می‌پردازد که چون این دو دسته بیشتر با سازمان‌یافتگی انجام می‌شوند، در این میان بزه‌های سازمان‌یافته نیز به میان می‌آید. این شیوه از رسیدگی افتراقی هنوز در مقرره‌های ایران به رسمیت شناخته نشده است؛ هرچند نشانه‌هایی از آن را می‌توان در مقرره‌های ایران یافت. گاهی نیز ماهیت بزه به گونه‌ای است که هم از دید جامعه و هم از دید قانون‌گذار، بزه‌های کم‌اهمیت یا غیرواقعی به شمار می‌آید، مانند بزه‌های سیاسی و مطبوعاتی که بودن هیأت منصفه برجسته‌ترین ویژگی افتراقی بودن در رسیدگی به آنها است. سنجه سوم، فنی و تخصصی بودن انجام بزه که نیازمند رسیدگی فنی و تخصصی است. این سنجه به بزه‌های رایانه‌ای انگشت می‌نهد. از این رو افتراقی بودن رسیدگی نسبت به بزه‌های رایانه‌ای به جهت فنی بودن آنهاست.»<sup>۱</sup>

۱. عالی‌پور، حسن، جزوه آیین دادرسی کیفری (دادرسی افتراقی)، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه اصفهان، گروه حقوق، نیمسال نخست سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲، ص. ۲.

دادرسی الکترونیکی نه متهم‌محور است و نه بر حسب اهمیت و ماهیت جرم تبیین می‌شود. بنابراین بیشترین قرابت را با معیار سوم یعنی رسیدگی افتراقی رایانه‌ای دارد. هر دو، به‌ویژه از جهت معیار ابزار و بستر کارها و فرآیندها یعنی الکترونیک و رایانه، همسان‌اند. ولی تفاوت برجسته‌ای میان این دو است. رسیدگی افتراقی رایانه‌ای دو بخش دارد: نخست بخش موضوع‌محور که نسبت به جرایم رایانه‌ای اعمال می‌شود و دوم بخش دلیل‌محور که نسبت به عموم جرایم اعم از رایانه‌ای و غیررایانه‌ای اعمال می‌شود. رسیدگی افتراقی نسبت به جرایم رایانه‌ای به‌ویژه از منظر صلاحیت کیفری مطرح می‌شود که ارتباطی با دادرسی الکترونیکی ندارد؛ زیرا دادرسی الکترونیکی نقشی در تعیین یا تغییر صلاحیت کیفری ندارد. ولی در ارتباط با گردآوری و استنادپذیری نسبت به عموم جرایم، شیوه‌های جدیدی از کشف جرم، پیگرد متهم و تحقیقات مقدماتی و سپس استناد به ادله مطرح می‌شود. روشن است که این مورد نیز در ذیل دادرسی الکترونیکی قرار نمی‌گیرد؛ زیرا دادرسی الکترونیکی نگاهی ادله‌مدار ندارد، بلکه شیوه‌ای برای تسریع در انجام تشریفات رسیدگی از طریق ابزارهای الکترونیکی است. در واقع ادله الکترونیکی و قواعد و اصول مرتبط با آن در رسیدگی‌های سنتی و غیرالکترونیک نیز قابل استفاده است و نحوه گردآوری، حفاظت یا استناد به آنها به‌منزله نوعی دادرسی الکترونیکی نیست؛ بلکه پشتیبانی برای قانونی و مستند بودن رأی است که به صورت سنتی صادر می‌شود. به همین دلیل نیز بخش دهم قانون آیین دادرسی کیفری زیر عنوان «آیین دادرسی جرایم رایانه‌ای» و جدا از «دادرسی الکترونیکی» بیان شده است. بنابراین جایگاه ابزارمحورانه دادرسی الکترونیکی نمی‌تواند مستلزم دادرسی کیفری افتراقی باشد، زیرا اصول یا قواعد دادرسی کیفری عام را برهم نمی‌زند یا از آن تخطی نمی‌کند. همان اصول و قواعد با ابزار و شیوه‌های نو تجلی پیدا می‌کنند.

رویکردهای چهارگانه فرآیندمحور، مقام و نهادمحور، حق‌محور و دلیل‌محور، اساس آیین دادرسی کیفری را شکل می‌دهند. دادرسی الکترونیکی در بخش نهم قانون و در مواد پراکنده، هیچ اصل یا قاعده ماهوی ندارد که از آن بتوان به عنوان دادرسی افتراقی یاد کرد. مواد مرتبط با دادرسی الکترونیکی مجموعاً سه دسته‌اند: دسته نخست مرتبط با تاسیسات و مراکز شامل شورای راهبردی دادرسی الکترونیکی، مرکز ملی داده‌های قوه قضاییه، شبکه ملی عدالت، درگاه ملی قوه قضائیه، تارنماهای دادگستری‌های استان و دفاتر خدمات الکترونیک قضایی است که برخی از آنها پیش از تصویب قانون هم وجود داشته‌اند.



دسته دوم، مواد تکلیف‌محور است که عموماً قوه قضائیه و همان نهادهای پیش‌گفته را مکلف به انجام برنامه‌های مرتبط با اطلاع‌رسانی یا تسریع در دادرسی از طرق مختلف مرتبط با ابزارهای الکترونیکی می‌کند. چنین تکالیفی نه در شأن مواد مرتبط با دادرسی کیفری است و نه با آن ارتباط دارد.

دسته سوم ضمانت‌اجراهای حفظ حریم خصوصی افراد و امنیت تأسیسات الکترونیکی و سامانه‌های رایانه‌ای است که باز ارتباطی با دادرسی الکترونیکی ندارند. بنابراین در بخش نهم مقرره‌ای نمی‌توان یافت که حاوی قاعده اصلی یا شیوه جدیدی از رسیدگی کیفری متفاوت با آنچه که در دادرسی عام رعایت می‌شود، باشد.

یکی از دستاویزهای مهم برای اینکه ثابت شود دادرسی الکترونیکی در قانون آیین دادرسی کیفری بر عنوان استوار شده و نه بر محتوا و چهارچوب، آیین‌نامه‌ای بودن آن است. در نظام‌های حقوقی مبتنی بر قانون، اصول و چهارچوب ماهوی و شکلی تنها با قانون بیان می‌شود و آیین‌نامه در راستای تبیین مواد قانونی پیش‌بینی می‌شود. آیین‌نامه نمی‌تواند هیچ حق یا تکلیف یا قاعده یا اصلی را بنیان بگذارد و حتی آیین‌نامه تنها در مواردی استفاده می‌شود که در شأن قانون نباشد، آن چنان وارد جزئیات شود که از ایجاز و استواری بکاهد.

اساساً در همان نخستین ماده بخش نهم قانون، شورای راهبری دادرسی الکترونیکی باید برای توسعه و ارتقای دادرسی الکترونیکی و نظارت بر حسن اجرای آنها، به تدوین آیین‌نامه‌های لازم همت کند؛ یعنی اساس کار شورا و به تعبیری اساس دادرسی الکترونیکی با تدوین آیین‌نامه‌های لازم که محتوا و شمار آنها روشن نیست، خواهد بود.

ویژگی دیگر دادرسی الکترونیکی، اختیاری بودن آن است. این ویژگی، خود گواهی بر شیوه و ابزار بودنش دارد و چون این شیوه نیاز به سواد و امکانات دارد، قانون‌گذار نیز به اعمال آن توصیه کرده است و نه الزام؛ برای نمونه طبق تبصره ۲ ماده ۲۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری در صورتی که دلیل پرونده منحصر به شهادت شهود و مطلعان نباشد، تحقیق از آنان می‌تواند به صورت الکترونیکی و با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی به عمل آید. همین اختیار در ماده ۲۶ آیین‌نامه شیوه اجرای قرارهای نظارت و تأمین قضایی مصوب ۱۳۹۵/۱/۲۲ نیز پیش‌بینی شده است که بر پایه آن، مرجع قضایی می‌تواند حضور و غیاب متهم را از طریق نظارت الکترونیکی انجام دهد. با این حال در برخی موردها، جلوه‌های دادرسی از طریق امکانات و ابزارهای الکترونیکی، چهره الزامی نیز دارند و این الزامی بودن نه از جهت اهمیت دادرسی الکترونیکی یا جایگزینی آن به جای دادرسی سنتی که به جهت

اهمیت ارزش دیگری است که دادرسی الکترونیکی می‌تواند از آن حمایت به عمل آورد. برای نمونه طبق ماده ۲۱۴، هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی برای شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد، بازپرس به‌منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می‌کند: «... پ - استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور.» در این ماده توسل به تجهیزات سامانه‌ای و مخابراتی الزامی شده است.

## ۲-۲. تضعیف ترافیعی بودن

ترافیعی بودن به معنای مرافعه طرفین اصحاب در برابر هم در حضور قاضی بی‌طرف است. در واقع «ترافیعی بودن دادرسی به این معنا است که طرفین پرونده یا وکلای آنها همزمان در یک جلسه نزد مراجع قضایی حاضر و به بیان مواضع خود و پاسخ به اظهارات طرفین مقابل بپردازند. این خصیصه از ویژگی‌های نظام اتهامی است؛ زیرا در نظام‌های تفتیشی وضعیت کاملاً متمایز است.»<sup>۱</sup> ترافیعی بودن دادرسی کیفری معیار اصلی توازن حقوق طرفین پرونده از یک سو و متهم و جامعه از سوی دیگر است. بنابراین، «مفهوم ترافیعی بودن دادرسی مستلزم این است که متهم از دعوی علیه خود آگاه باشد. بدین معنی که از همه دلایل و استدلال‌هایی که دادگاه می‌تواند در زمان صدور حکم راجع به اتهام، در نظر گیرد، مطلع بوده و اینکه فرصت به چالش کشیدن این دلایل و اثبات خلاف آن را داشته باشد.»<sup>۲</sup> این مهم در ماده ۱۹۲ و ۳۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت بیان شده است.

دادرسی الکترونیکی می‌تواند آسیبی برای ترافیعی بودن رسیدگی کیفری باشد: اولاً سبب افزایش قدرت دولت در برابر شهروندان می‌شود. دادرسی الکترونیکی در اصل بخشی از دولت الکترونیک است. دولت الکترونیک تعبیری است برای کنترل بهتر و فراگیرتر حوزه‌های رایانه‌ای شده توسط دولت. از این رو در دولت الکترونیک، امنیت دولت یا در مفهوم مردم سالارانه، امنیت ملی بهتر تضمین می‌شود. امنیت ملی «شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند»<sup>۳</sup> و در واقع اصلی‌ترین دغدغه نظام حقوقی «باید

۱. طهماسبی، جواد، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۴، ص. ۲۴.

۲. ناجی زواره، مرتضی، دادرسی بی‌طرفانه در امور کیفری، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹، ص. ۵۰.

۳. ماندل، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی، چاپ دوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۷۹، ص. ۵۲.

حمایت از شهروندان در مقابل تجاوزات دولت باشد که همیشه در صدد است تا خواسته خود را بر تابعان خود تحمیل کند. عدم تمرکز قدرت برای تأمین امنیت شهروندان در مقابل دولت نقش بسزایی دارد.<sup>۱</sup>

دادرسی الکترونیکی در مفهوم شناخته شده خود مبتنی بر دیده بان‌های الکترونیکی، گردآوری اطلاعات و تبادل اطلاعات پلیسی و قضایی است. بخش عمده دادرسی الکترونیکی در مرحله تحقیقات مقدماتی مظنون محور است؛ به گونه‌ای که برای کشف جرم یا پیشگیری از آن، دیده بان‌های الکترونیکی اثری از حریم خصوصی شهروندان باقی نمی‌گذارد. در واقع ابزارها و شیوه‌هایی که به عنوان مایه دادرسی الکترونیکی دانسته می‌شود؛ پای دولت به میزانی بیشتر از دولتهای خودکامه در حریم خصوصی شهروندان باز می‌کند؛ چندان که چنان کنترل اطلاعاتی شهروندان در فرآیند کشف جرم یا پیشگیری از آن «نه تنها سبب بی‌اعتمادی می‌شود که باز خطر ناامنی را افزایش می‌دهد؛ زیرا تمرکز بر امنیت، ناامنی را می‌پروراند.»<sup>۲</sup> زیرا ابزارها و شیوه‌های الکترونیکی برای رویارویی با جرم برای امنیت شهروندان خود به ناامنی ذهنی و روانی آنها در قبال کنترل شدنشان از سوی دولت است. بدین حال دادرسی الکترونیکی چون بر دو پایه دیده بان‌های الکترونیکی و دسترسی به اطلاعات قرار دارد، نقطه مقابل رویکرد حقوق بشری آیین دادرسی کیفری است؛ چندان که برخی استفاده از تجهیزات الکترونیکی برای متهمان و مجرمان یادآور نماد برادر بزرگ رمان جرج اورول و «روند رو به رشد دیده بان‌های الکترونیکی»<sup>۳</sup>، زیست‌سنجی<sup>۴</sup>، تلویزیون مدار بسته و دیگر ابزارهای مدار بسته را چالشی برای حاکمیت، پاسخگویی دولتها و عدالت می‌دانند.<sup>۵</sup> در واقع ابزارهای الکترونیکی و فضای سایبر بیشتر از آنکه ابزارهای مناسبی برای صیانت از حقوق شهروندان و به طور ویژه حقوق متهم محسوب شود، برای امنیت و قدرت دولت به کار می‌آید و دلیل آن نیز روشن است؛ ارائه‌کننده یا ناظر اصلی خدمات الکترونیکی دولت است و از همین دریچه می‌تواند کنترل خود را بر شهروندان به طور کامل بگستراند.

ثانیاً بر شکل‌گیری پرونده شخصیت تأثیر منفی دارد. دادرسی الکترونیکی وابستگی شدید به ابزار آلات و برنامه‌های از قبل نوشته شده دارد؛ بنابراین کمتر بستر

۱. فلچر، جورج. پی، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، ترجمه سیدمهدی سیدزاده ثانی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴، ص. ۳۴۵.

2. Bennett, Colin, "Securitization and Surveillance: from Privacy Rights to Security Risks", in: *Transparent Lives: Surveillance in Canada*, AU Press, Athabasca University, 2014, p. 42.

3. Electronic Monitoring

4. Biometrics

5. Paterson, Craig, *Understanding the Electronic Monitoring of Offenders*, VDM Verlag Dr. Muller Aktiengesellschaft, Saarbrücken, Germany, 2009, p. 36.

لازم برای قرار گرفتن در مجاورت متهم برای شناسایی وی و علل وقوع جرم را پدید می‌آورد. قاضی در برخورد با پدیده بزهکاری نباید تنها در مقام توجه به سرزنش‌پذیری یا زیانباری جرم و جستجوی مصداق قانونی آن باشد، بلکه او به مثابه یک قاضی طبیب است که نه تنها در مقام اجرای عدالت است که با توجه به آنچه در زندگی فردی و اجتماعی مرتکب گذشته است را معیاری برای تعیین میزان مسوولیت وی قرار دهد و بر اساس اصل فردی کردن مجازات، ضمانت‌اجراهای متناسب با هر شخص تعیین کند. بر این اساس «به منظور پی بردن به زوایای شخصیت متهم یا مجرم، تشکیل پرونده‌های تحت عنوان «پرونده شناسایی شخصیت» در کنار پرونده قضایی که در تنظیم و تدوین آن متخصصان علوم مختلف مانند پزشک، روان‌پزشک، روان‌شناس، جامعه‌شناس، مددکار اجتماعی و ... نقش اساسی دارند، از ضروریات یک دادرسی کیفری عادلانه محسوب می‌گردد، تا مقام قضایی با مراجعه به آن پرونده و اشراف بر ابعاد مختلف شخصیت بزهکار بتوانند در راستای فردی کردن رسیدگی‌های کیفری و تصمیمات قضایی، عادلانه‌ترین تصمیم را جهت بازسازی و یا تنبیه مجرم اتخاذ کند.»<sup>۱</sup>

قانون درباره مدیریت زمانی پرونده کیفری و پرونده شخصیت ساکت است و همین امر می‌تواند نشان دهد که دادرسی الکترونیکی می‌تواند به دو صورت، اثر منفی بر پرونده شخصیت بگذارد: نخست اینکه تشکیل پرونده شخصیت مجزا از پرونده کیفری و با محوریت گزارش خانوادگی، اجتماعی و روان‌شناختی مرتکب است. در حالی که پرونده کیفری بر اساس گردآوری ادله کیفری و تفهیم اتهام انجام می‌شود و چون خدمات الکترونیکی سبب دقت و تسریع در رسیدگی کیفری می‌شود؛ پرونده کیفری غالباً زودتر از پرونده شخصیت آماده است. همین امر ممکن است سبب تسریع در تشکیل پرونده شخصیت و بی‌اعتنایی به بایدها و لوازم پرونده شخصیت شود. دوم اینکه با در نظر گرفتن دادرسی الکترونیکی و فرآیند آن در فضای مجازی و شتاب در رسیدگی سبب بی‌توجهی قاضی دادگاه نسبت به پرونده شخصیت شود؛ زیرا تشکیل پرونده مستلزم رویارویی قاضی با متهم و دیدن و شناختن زوایای شخصیت او با کمک متخصصان روانشناس است، که در رسیدگی الکترونیکی که عموماً ماشین محور است، فراهم نمی‌شود.

ثالثاً دادرسی الکترونیکی می‌تواند اعتبار اصل علنی بودن رسیدگی را کاهش دهد. دادرسی الکترونیکی اگر در مرحله دادرسی در مفهوم خاص یعنی در دادگاه نیز اعمال شود؛ عملاً اصل علنی بودن رسیدگی کیفری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. «مفهوم اصل

۱. محمدیان، سارا؛ محمدرضاپور، بابک، «لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرایند کیفری ایران»، مجله پزشکی قانونی، دوره ۱۹، شماره‌های ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۹۲، ص. ۲۳۰.

علنی بودن دادرسی این است که علاوه بر اشخاصی که به عنوان شاکی، متهم، وکیل هر یک از آنها، شاهد، کارشناس و غیره در پرونده نقش دارند و توسط دادگاه به جلسه دادرسی دعوت می‌شوند، هر کس هم که به هر دلیل مایل به حضور در جلسات رسیدگی دادگاه باشد، می‌تواند بدون دعوت و احضار قبلی در دادگاه حاضر شده، جریان رسیدگی را از نزدیک مشاهده نماید، بدون اینکه رئیس دادگاه بتواند مانع حضور او در جلسه گردد. غیر علنی بودن دادرسی، امری استثنائی و محدود به موارد مصرح قانونی است.<sup>۱</sup>

الکترونیکی شدن دادرسی کیفی به دو صورت می‌تواند اصل علنی بودن را تضعیف کند: نخست اینکه اگر دادرسی الکترونیکی فرآیندی رو به جلو باشد که همه قسمت‌ها و نهادها و تشریفات دادرسی کیفی را در نوردد، پس جلسه رسیدگی در دادگاه را نیز می‌تواند به عرصه‌ای برای بررسی اطلاعات رایانه‌ای مرتبط با پرونده کند، نه عرصه‌ای برای گفت‌و شنید و مرافعه اصحاب دعوی که اقتضای اقدامات سنتی در محیط فیزیکی و مشخص به نام دادگاه دارد. دادگاه الکترونیکی از مکان مشخص و محیط خاص ترسیم‌شده تبعیت نمی‌کند؛ در حالی که همین مکان و محیط به اصل علنی بودن معنا می‌بخشند. دوم اینکه حتی اگر اصل علنی بودن به منزله آگاهی همگانی از فرآیند رسیدگی شود و از طریق محیط تبادل اطلاعات به ویژه از طریق کانال ویژه در شبکه‌های اجتماعی مجازی به اطلاع عموم برسد؛ در این صورت جلسه دادگاه شانی در حد روزنامه‌نگاری الکترونیکی خواهد داشت. با این حال نمی‌توان انکار کرد که تجهیزات الکترونیکی می‌تواند حضور مجازی تعداد بسیاری از شهروندان را در جلسه دادگاه از طریق اقداماتی مانند ویدئوکنفرانس فراهم کند که از این جهت، خدمات الکترونیکی برعکس آنچه گفته شد، در راستای تقویت اصل علنی بودن رسیدگی کیفی خواهد بود.

## ۲-۳. تضعیف تجربه و مهارت قضایی

دادرسی الکترونیکی وضعیتی را پدید می‌آورد که بر اساس دستورالعمل‌ها و برنامه‌های پیشین، بخش عمده‌ای آماده‌سازی پرونده و تکمیل آن انجام می‌گیرد. در چنین وضعیتی، هر شخص آگاه یا مرتبط با رایانه و تجهیزات الکترونیکی به حسب تجربه فنی می‌تواند بخش‌هایی از رسیدگی کیفی مدیریت کند؛ بی‌آنکه سواد و تجربه قضایی داشته باشد. در واقع دادرسی الکترونیکی تجربه فنی را در برابر تجربه قضایی

۱. خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳، ص. ۳۰۲.

قرار می‌دهد که اولی برای تسریع در کارها ولی دومی برای اجرای عدالت و برقراری توازن میان حقوق طرفین لازم است. دادرسی الکترونیکی اولاً با مشکل عدم گرایش قضات به آن روبه‌رو است. نه دادرسی الکترونیکی به صورتی که از آن یاد می‌شود، جایگاه استواری دارد و نه دادرسی منصفانه به گونه‌ای که از آن دفاع می‌شود، ماهیت روشنی دارد. این ادعا می‌تواند رابطه این دو را تیره‌تر از آنچه فکر می‌شود، نشان دهد؛ زیرا این دو گونه از دادرسی کیفری نه تنها در دو سرزمین گوناگون و بی‌ارتباط با هم هستند که اساساً ممکن است هویت و موجودیت هر دو در مظان تردید باشد و با این ناستواری در جایگاه هر یک، مقایسه این دو شاید از اساس اثری نداشته باشد.

با نگاه به قوانین کیفری شکلی کشورهای غربی نمی‌توان از عنوانی که قانون‌گذار ایران به کار گرفته است، سراغ گرفت. برای نمونه در بخش ششم و هفتم قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه (که قوانین این کشور معمولاً نخستین الگو برای نگارش قوانین کیفری اصلی محسوب می‌شوند) و از مواد ۷-۷۲۳ به عنوان نظارت (دیدهبانی یا پایش) الکترونیکی<sup>۱</sup> اشاره شده و در بخش‌های گوناگون نیز به این تعبیر و نیز مدارک الکترونیکی اشاره شده، ولی تعبیر دادرسی الکترونیکی به کار برده نشده است. در قانون آیین دادرسی کیفری سوئیس که از ابتدای سال ۲۰۱۱ لازم‌الاجرا شده، حتی کمتر از قانون فرانسه از تجهیزات الکترونیکی استفاده شده است. از همه برجسته‌تر ماده ۸۶ این قانون زیر عنوان «خدمات الکترونیکی» است که مقرر می‌دارد با رضایت اشخاص درگیر در پرونده، خدماتی مانند ابلاغ اوراق قضایی به صورت الکترونیکی انجام می‌شود. همین طور الکترونیک به عنوان وصفی برای «دلیل و اطلاعات» مورد استفاده قرار گرفته است. دلیل الکترونیکی یا دیجیتالی هر اطلاعات اثبات‌کننده در شکل الکترونیکی است و در دادگاه قابل استفاده است. اطلاعات الکترونیکی مفهوم عام‌تری داشته و شامل همه محتوای رایانه‌ای، داده‌های ثبت‌شده و فایل‌های روگرفت از اسناد کاغذی است. با این حال در نظام قضایی سوئیس، ارزش دلیل الکترونیکی به اندازه دلیل غیرالکترونیکی نیست و دادرسان در صورت وجود دلایل غیرالکترونیکی، کمتر به دلایل الکترونیکی توجه می‌کنند.<sup>۲</sup> در چنین بستری روشن است که از اصطلاح کلان دادرسی الکترونیکی استفاده نمی‌شود.

در واقع اسناد الکترونیکی بیشتر از آنکه دادرسان را جلب کند، وکلا، متصدیان امور اداری و اشخاص حقوقی را جلب می‌کند؛ چرا که اسناد الکترونیکی به همان اندازه

1. Electronic Surveillance

2. Perrin, Bertrand; and others, "Electronic Evidence in Swiss Criminal Procedure", Digital Evidence and Electronic Signature Law Review, vol. 8, 2011, p. 72.

که کار دادرسان ناآشنا با حوزه امکانات و تجهیزات رایانه‌ای و نیز به جهت تغییر مداوم این اسناد دشوار می‌کند ولی برای دیگران می‌تواند مؤثر و کارگشا باشد. سند الکترونیکی «به معنای هر سندی است که در شکل الکترونیکی نگهداری می‌شود؛ مانند رایانامه و دیگر ارتباطات الکترونیکی چون متن پیام‌های نوشتاری و گفتاری، اسناد پردازشگر واژگان، پایگاه داده، اسناد ذخیره‌شده در حامل‌های داده همچون وسایل حافظه‌دار و گوشی همراه و به طور کلی هر سند قابل خوانش به وسیله رایانه.»<sup>۱</sup>

در قانون آیین دادرسی کیفری آلمان که در سال ۲۰۱۴ اصلاح شده است نیز از عنوان دادرسی الکترونیکی خبری نیست. تنها در زیر بخش چهارم از قانون تحت عنوان تصمیمات دادگاه و ارتباط بین طرفین پرونده و در ماده ۴۱ مکرر (۴۱ الف) به اسناد الکترونیکی اشاره شده است. در ادبیات حقوقی و دانشگاهی نیز دادرسی الکترونیکی تعبیری رایج و جاافتاده نیست. در مفاهیم قدیمی‌تر نیز دادرسی الکترونیکی در معنای استفاده از ابزارهای ماشینی و الکترونیکی برای دسترسی سریع‌تر به دادگاه گفته می‌شود. برای مثال «در سال ۱۹۹۳ دادگاه‌های ایالت آریزونا به سامانه‌های رایانه‌ای جهت شکایت سریع، مشاوره حقوقی و دیگر نیازهای حقوقی مجهز شدند.»<sup>۲</sup>

ثانیاً دادرسی الکترونیکی سبب روزمرگی قضایی می‌شود. دادرسی الکترونیکی سبب می‌شود تا قضات نسبت به پرونده و تکمیل آن دچار روزمرگی شوند و چه بسا امر دادرسی الکترونیکی را خود انجام نداده و به دیگران بسپارند. در واقع در یک امر فنی، قاضی احساس نمی‌کند که وضعیت هر پرونده‌ای با پرونده دیگر تفاوت فاحشی داشته باشد؛ مگر در زمان صدور حکم. از این رو دادرسی الکترونیکی حس متفاوت بودن پرونده‌ها از ابتدا تا انتها را کم‌رنگ می‌کند. «تجربه سیستم‌های قضایی گوناگون نشان می‌دهد که اتخاذ تصمیمات قضایی مستلزم گستره‌ای از موضوعات متنوع در هنر صدور حکم می‌باشد. پیچیدگی، تغییرپذیری، قابلیت انعطاف و توان تشخیص که نمونه بارزی تصمیمات قضایی هستند، به سادگی توسط سیستم‌های کامپیوتری قابل حل و فصل نیستند. بنابراین تسهیلات فناوری اطلاعات صرفاً به قاضی کمک می‌کند تا بتواند با استفاده از اطلاعات بیشتر و دقیق‌تر، تصمیمات بهتری اتخاذ نماید.»<sup>۳</sup>

ولی وقتی اساس رسیدگی کیفری بر عهده تجهیزات رایانه‌ای و الکترونیکی قرار بگیرد؛ دو پیامد عمده اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. نخست آنکه با داده شدن اطلاعات

1. Mason, Stephen, *Electronic Disclosure*, 3rd edition, LexisNexis Butterworth, 2012, p. 10.

2. Crowell, James, "the Electronic Courtroom", *Journal of Science and Technology Law*, Boston University, vol. 10, 1998, p. 3.

۳. شاهسون، مهدی؛ خجسته‌بخت، مجتبی، سیستم مدیریت پرونده قضایی، تهران، انتشارات روزنامه رسمی

جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸، ص. ۴۰.

قضایی، در کنار مقام قضایی یا یک کارشناس یا خود رایانه به بررسی و انجام امور اطلاعاتی که تا قبل از این کاغذی و سندمحور بوده‌اند، خواهند پرداخت. در این صورت قاضی تعهدی را که در بررسی چشمی اوراق قضایی دارد، نخواهد داشت. به همین دلیل است که برخی نظام‌های کیفری در جهان مانند هلند «با وجود گسترش اطلاعات و ادله دیجیتالی نهایتاً اگر این اطلاعات به صورت نوشته و کاغذی مورد استفاده شوند، به عنوان دلیل اثبات مورد توجه قرار می‌دهند.»<sup>۱</sup> دلیل این امر نیز تفاوت بررسی ادله و اطلاعات کاغذی با ادله و اطلاعات دیجیتال است.

دوم آنکه از جهت قابلیت‌های جذب نظر و دقت قضایی، ادله و اطلاعات دیجیتال ضعیف‌اند. ادله و اطلاعات سنتی که بر روی کاغذ یا سایر اشیای دیگر قابل رویت‌اند و عموماً هم در اشکال و رنگ‌های مختلف‌اند، خود سبب تنوع در بررسی پرونده و اقتضای دقت جداگانه دارند؛ ولی اطلاعات و ادله دیجیتال از این جهت یکنواخت هستند. هرچند بتوان از سیستم روگرفت‌برداری، همان وضعیت سنتی را در دستگاه رایانه‌ای انتقال داد، ولی واقعیت این است که اطلاعات و ادله دیجیتالی نهایتاً در قالب داده و به صورت یکنواخت و ساده در اختیار قاضی قرار می‌گیرند.

شیوه یکنواخت استفاده از دستگاه‌های الکترونیکی، تمرکز غالب بر فعالیت با رایانه، تحلیل و بررسی داده به عنوان اطلاعات پرونده و به طور کلی سرگرم شدن نیروی انسانی دستگاه قضایی به ویژه قاضی با ماشین‌ها و دستگاه‌ها نه تنها روزمرگی قضایی و یکنواختی قضاوت را پدید خواهد آورد که چه‌بسا همان پیامدهای منفی را به همراه خواهد داشت که استفاده بیش از اندازه از تلفن همراه و دیگر دستگاه‌های رایانه‌ای توسط شهروندان دارد.

ثالثاً دادرسی الکترونیکی سبب شتاب در رسیدگی می‌شود. برخی پیام مشهور «تأخیر در عدالت انکار عدالت است» که در فرمان کبیر (منشور بزرگ انگلستان در سال ۱۲۱۵ درباره حقوق و آزادی مردم و کلیسا) آمده است را یکی از ارکان اساسی دادرسی کیفری منصفانه می‌دانند.<sup>۲</sup> از این منظر، دادرسی الکترونیکی که خود بر پایه تسریع در فرآیند رسیدگی کیفری بنیاد گذاشته شده است و دادرسی منصفانه، همنشین هم می‌شوند. اما اگر دادرسی سریع بدون پیش‌بینی قانون و صرفاً در پاسخ به واکنش اجتماعی یا خواست مقامات قضایی یا سیاسی یا اقتضات زمانی و مکانی انجام گیرد، در این صورت، تهدیدی برضد دادرسی منصفانه خواهد بود؛ زیرا آنچه که در

1. Schellekens, Maurice, "Digital Watermarks as Legal Evidence", Digital Evidence and Electronic Signature Law Review, vol. 8, 2011, p. 158.  
2. Hopwood, Shon, "The not so Speedy Trial Act", Washington Law Review, vol. 89, 2014, p. 710.



ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری تحت تعبیر «در کوتاه‌ترین مهلت ممکن» آمده، مرتبط با تعبیر «از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند» است که در ذیل همین ماده آمده است. در اینجا رسیدگی «در کوتاه‌ترین مهلت ممکن» به معنای عدم تأخیر و تعلل غیرقابل توجیه در رسیدگی است و نه شتاب در رسیدگی که اولی موافق دادرسی منصفانه و دومی ناسازگار با آن است. هر چند از دید «دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه گولدر، سه قاعده مهم دادرسی، انصاف، علنی بودن و سرعت در رسیدگی قید شده است.»<sup>۱</sup> ولی سرعت در رسیدگی از جمله عناصر دادرسی منصفانه نیست. در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز به «رسیدگی در مهلت معقول» اشاره شده است.

### ۳. بایسته‌های دادرسی کیفری الکترونیکی در رویارویی با جرایم سایبری

دادرسی کیفری الکترونیکی به همان اندازه که به طور بالقوه با چالش مواجه است، به طور بالفعل برای رویارویی با جرایم سایبری کارآمد است. در اصل دادرسی کیفری الکترونیکی شیوه مدرنی برای رسیدگی به همه جرایم و حتی دعاوی حقوقی است ولی در این میان شاید دادرسی الکترونیکی از جهت ویژگی‌ها و بستر تحقق، بیشترین سنخیت را با جرایم سایبری دارد. دادرسی الکترونیکی در مواجهه با جرایم سایبری مبتنی بر بستر مبادله الکترونیکی است و بر این قاعده ساده استوار است که پاسخ ارتکاب جرم در فضای سایبر را باید در همان فضای سایبر و با امکانات آن داد. چنین پاسخی به مجرم سایبری نشان خواهد داد که فقط او نیست که از فضای سایبر برای جرم و سپس مخفی شدن استفاده می‌کند؛ بلکه برعکس این فضا نه تنها قابلیت‌های متعدد برای پیگرد مرتکب دارد که در مقایسه با امکانات سنتی بسیار کارآمدتر است. بایسته‌های دادرسی الکترونیکی در رویارویی با جرایم سایبری فارغ از توجه به حقوق خود متهم که بحثی جداگانه است، در راستای تقویت جامعه، بزه دیده و متصدیان پیگرد و رسیدگی خواهد بود:

#### ۳-۱. تقویت جامعه در برابر مجرم سایبری

دادرسی الکترونیک، از این جهت سبب تقویت جامعه در برابر مجرم سایبری می‌شود که مبتنی بر تنوع و تکثر ادله اثبات جرم در زمان کوتاه است. جدا از جنبه فراملی بودن جرایم سایبری که یک مانع بزرگ در پیگرد مجرم سایبری است ولی از

۱. آشوری، محمد، «مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، در: مجموعه حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، زیر نظر محمد آشوری، چاپ اول، نشر گرایش، ۱۳۸۳، ص. ۳۳۷.

جهت دیگر، موقعیت مجرم سایبری در مقایسه با مجرم سنتی از جهت گرفتار شدن در دام قانون، شکننده‌تر است.

بخش اعظم تجهیزات الکترونیکی خود در مقام ادله الکترونیکی به کار می‌آیند که سبب تنوع در ادله اثبات دعوی می‌شود. در فضای سنتی ادله اثبات، قابل انفکاک و شیوه‌های تحقق و نمود آنها مشخص است. نمود بیرونی اقرار، گواهی گواهان، سوگند و قسامه با ویژگی‌های خاص خودشان، حکایت از جنبه واقعی و بیرونی بودن دارند؛ ولی ادله دیجیتال و به طور کلی ادله‌ای که بر پایه تجهیزات الکترونیکی گردآوری می‌شوند، عموماً مبتنی بر اطلاعاتی به مقام قضایی هستند. اطلاعات یا داده رایانه‌ای نیز همین معنا را می‌رسانند که بر اساس آن، معنا یا اطلاعی را به مقام قضایی می‌رسانند. از این رو ادله دیجیتال در مقایسه با ادله سنتی اولاً تنها طریقت دارند و در قبال ادله سنتی به ویژه ادله شرعی که هنوز نگاه موضوعیت داشتن به آنها وجود دارد، ولی برای ادله دیجیتال چنین نگاهی اساساً وجود ندارد. همه این ادله اطلاع‌محور و طریق دستیابی به واقعیت‌اند و به راحتی قابل تعارض و قابل انکار هستند.

ثانیاً ادله سنتی به مفهوم واقعی دلیل هستند که مشهورترین آنها اقرار، شهادت و سوگند است. در کنار این ادله، از قرائن اثبات نیز می‌توان نام برد که به کلیه قرینه‌ها و نشانه‌های حامی ادله اثبات مانند معاینه محلی یا کارشناسی گفته می‌شود. این قرائن اگر همراه با ادله اثبات نباشند، می‌توانند خود سبب شکل‌گیری علم قاضی شوند. ولی ادله دیجیتال در اصل همان قرائن و شواهد اثبات هستند و همین امر بر تکثر و تنوع آنها گواهی می‌دهد.

تکثر و تنوع ادله دیجیتال، هرچند وظیفه قاضی در گردآوری قرائن و تطبیق و استفاده از آنها را مشکل می‌کند، ولی پرونده را علمی‌تر و مستندتر می‌کند. این ادله به تدریج سبب تقویت علم قاضی و تضعیف اقرار، شهادت و سوگند از طریق روی‌گردانی قضات از این ادله و روی‌آوری به ادله دیجیتال خواهد بود.

تنوع ادله دیجیتال ناشی از تحولات بسیار سریع و روزانه حوزه فناوری اطلاعات است که از یک علامت یا نقطه یا عدد شروع می‌شود و به محتواهای طولانی یا امواج حامل داده می‌رسد. همه این ادله نه‌تنها می‌توانند برای همه جرایم اعم از رایانه‌ای و غیررایانه‌ای به کار روند، بلکه تنوع این ادله خود سبب می‌شود که بخشی از آنها غالباً یا حتی اختصاصاً برای کشف برخی از جرایم خاص کارکرد داشته باشند. برای نمونه «فناوری نشانه‌های نامرئی دیجیتال<sup>۱</sup>، خود یکی از ادله دیجیتال است که برای کشف

جرائم مرتبط با نقض حقوق هنری و تالیفی به کار می‌رود. این شیوه متضمن استفاده از اطلاعات غیرنمادین است که بر روی کارهای مرتبط با حقوق دارندگان مالکیت فکری مانند عکس یا فیلم قابل بارگذاری است. این اطلاعات برای کاربر قابل دیدن و به راحتی نیز قابل تغییر یا حذف نیست. این شیوه می‌تواند برای کشف بیشتر جرائم قابل ارتکاب در فضای سایبر برای مقام‌های قضایی کارآیی داشته باشد.<sup>۱</sup>

تجهیزات الکترونیکی بستر بسیار مناسبی برای اصل آزادی دلیل و اقناع وجدانی مقام قضایی است. ویژگی‌های بنیادین دلیل کیفری که اصل آزادی دلیل را توجیه می‌کند، یعنی «مثبت امور وجودی بودن، مثبت امور سابق‌الوقوع بودن و کاشف حقیقت بودن»<sup>۲</sup> با تجهیزات الکترونیکی بهتر و فراگیرتر میسر می‌شود. برخلاف ادله سنتی، ثبت شدن ادله دیجیتال و تنوع آنها به خوبی این سه ویژگی را حاصل می‌کند.

تجهیزات الکترونیکی سبب به روز کردن اطلاعات و بازنگری در پرونده‌ها می‌شود. در رویکرد سنتی به ندرت و به دشواری امکان بررسی چندباره ادله گردآوری شده و به‌ویژه با قطور شدن پرونده‌ها، عملاً بازگشت به عقب و دقت بیشتر نسبت به آنچه قبلاً دقت شده، عملاً کمتر است. ولی تجهیزات الکترونیکی پرونده قطور و کم قطر نمی‌شناسد و در هر حال بستری را برای بازنگری ادله تحصیل شده یا نیز بررسی مجدد پرونده فراهم می‌کند که بسیار از اشتباهات قضایی می‌کاهد. در واقع این بازنگری بستگی به نحوه ساخت برنامه نرم‌افزاری دارد که به قاضی کمک کند که در کمترین زمان، هرگاه احساس کرد باید به قسمتی از پرونده مراجعه کند، این کار را بتواند انجام دهد.

قابلیت بازنگری در ادله و پرونده به وسیله تجهیزات الکترونیکی از دو بعد دارای اهمیت است: نخست، بازنگری در ادله سنتی و معمول که تجهیزات الکترونیکی این حسن را دارد که با جایگزینی ادله دیجیتال، از اشتباهات ادله سنتی که احتمال آنها کم نیست، بکاهد. هرچند طبق بررسی‌های آکادمی ملی علوم<sup>۳</sup> ایالات متحده «دیجیتالی شدن ادله اثبات این خطر را دارد که تأثیر ادله سنتی که بر اساس جرم‌یابی به دست آمده‌اند را کنار می‌زند و گاه متهمی را که طبق ادله سنتی مجرم تلقی می‌شود را بی‌گناه معرفی می‌کند. از این رو براهت دیجیتال لزوماً به معنای براهت سنتی نیست.»<sup>۴</sup> ولی نمی‌توان دقت و قابلیت بازنگری که در ادله دیجیتال است را نادیده

1. Schellekens, Maurice; Op. cit, p. 152.

۲. حیدری، الهام؛ اصل آزادی دلیل و ارزیابی دلیل در دادرسی کیفری ایران و انگلیس، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، پردیس قم دانشگاه تهران، ۱۳۹۱، ص. ۲۱.

3. National Academy of Sciences (NAS)

4. Fairfield, Joshua; Luna, Erik, "Digital Innocence", Cornell Law Review, vol. 99, 2014, p. 988.

گرفت. این درست است که ادله دیجیتال قابلیت برابری با اقراری که در فضای آزاد و بدون شکنجه و فشار تحصیل شده یا شهادتی که از سوی افراد مطمئن ارائه شده را ندارد. ولی باید در نظر داشت که چنین ادله‌ای مجموعاً وضعیت استثنایی دارد. واقعیت این است که اقرار و شهادت مطمئن و بدون فشار و آزار به عنوان یک دلیل مطمئن ولی کمیاب تلقی می‌شود؛ از این رو ادله دیجیتال حتی اگر معارض با ادله سنتی باشند، نهایتاً طبق قانون ایران در قالب علم قاضی در می‌آیند که ترجیح آنها نسبت به ادله سنتی ایرادی ندارد.

دوم، ادله دیجیتال چنان که گفته شد، قرینه اثباتی هستند و به جهت سیالیت فضای سایبر و فراوانی اطلاعات در محیط تبادل اطلاعات قابلیت جایگزینی با ادله دیجیتال که پیش از این حاصل شده است را دارد که همین سبب اطمینان بیشتر قاضی در اقتناع وجدانی و صدور حکم دارد. با این حال این ایراد را هم دارد که پویایی و قابلیت بازنگری ادله دیجیتال ممکن است فرآیند رسیدگی به نتیجه پرونده مبنی بر برائت یا محکومیت را به تعویق بیندازد و به طور ویژه از سوی اشخاص حقوقی مورد سوءاستفاده قرار گیرد. وضعیتی که معمولاً ادله سنتی با آن مواجه نیستند، ولی ادله دیجیتال به جهت فراوانی و تنوع، برعکس ادله سنتی که محدود و معدود هستند، به خودی خودی اطمینان قضات را نسبت به خود کمرنگ می‌کنند. برای نمونه در قبال سوءاستفاده ارائه‌کنندگان کالا از مشتریان «تبلیغات دیجیتالی معمولاً متنوع و متغیر هستند و شرکت‌ها نیز می‌خواهند بیشترین جذابیت را برای مشتری فراهم کنند. ادله ارتکاب جرم سوءاستفاده از بازار اینترنتی با تفاوت تبلیغات اینترنتی می‌تواند متنوع باشد.»<sup>۱</sup>

### ۲-۳. تقویت بزه‌دیده در برابر مجرم سایبری

دادرسی کیفری الکترونیکی می‌تواند سبب تقویت بزه‌دیده جرایم سایبری شود که عامل مهمی برای رویارویی با این جرایم به شمار می‌رود. برای یک بزه‌دیده هیچ امری مهم‌تر از دستگیری عامل تجاوز علیه او نیست و این امر با تجهیزات الکترونیکی بهتر میسر است. به همین نحو تحقیقات درباره تعیین تکلیف نسبت به بزه‌دیده نیز زودتر انجام می‌شود. مشخصاً دوران تحقیقات مقدماتی چه با حضور مرتکب و چه بدون حضور وی مرحله حساسی برای بزه‌دیده خواهد بود تا گام‌های موثری برای احقاق حق خود بردارد. در واقع «تحقیقات مقدماتی، یکی از مراحل دادرسی کیفری است و در معنای

1. Calo, Ryan, Digital Market Manipulation, George Washington Law Review, vol. 82, 2014, p. 1016.

وسیع به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که از زمان وقوع جرم آغاز و با کشف جرم، اقدام برای دسترسی به متهم، جمع‌آوری دلایل به نفع یا ضرر متهم، انجام بازجویی، صدور قرار تأمین و اظهارنظر راجع به بزهکاری یا بی‌گناهی متهم خاتمه پیدا می‌کند، لیکن در مفهوم مضیق، تحقیقات مقدماتی محدود به اقدامات قاضی تحقیق و یا ضابطان دادگستری به موجب قانون و یا ارجاع قاضی مزبور به ضابطان، در جمع‌آوری دلایل به نفع یا ضرر متهم در موارد مصرح قانونی، صدور قرار تأمین برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او یا امحای آثار جرم و نیز اظهارنظر راجع به بزهکاری یا بی‌گناهی او است.<sup>۱</sup> در این مرحله، بزه‌دیده با دسترسی به تجهیزات الکترونیکی و سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی همانند گذشته منفعل نبوده و منتظر اقدام انحصاری ضابطان و مقام قضایی نماند و خود می‌تواند در پیگرد متهم و شناسایی محل اخفا یا اقامت وی یا افشای اطلاعات مرتبط با وی و اطلاع‌دهی سریع به مقام‌های قضایی مؤثر باشد.

طبق تبصره یک ماده ۲۶ آیین‌نامه شیوه اجرای قرارهای نظارت و تأمین قضایی مصوب ۱۳۹۵/۱/۲۲ رئیس قوه قضاییه، نظارت و کنترل الکترونیکی شیوه‌ای است که اجازه می‌دهد حضور و غیاب متهم از راه دور فقط در محدوده مکانی که توسط مرجع صادرکننده قرار تعیین می‌شود، در مدت معین توسط ابزار الکترونیکی که به این منظور ایجاد شده است، مورد کنترل قرار گیرد. طبق تبصره دو، متهم نباید در مدت اجرای نظارت الکترونیکی دستگاه فرستنده را از خود جدا کند.

### ۳-۳. تقویت سازوکارهای قضایی

دادرسی الکترونیکی جدا از اینکه سبب تسریع در رسیدگی می‌شود، مؤلفه‌های مهمی برای رسیدگی قضایی دقیق و مؤثر در رویارویی با همه جرایم و به طور ویژه جرایم سایبری ایجاد می‌کند که برجسته‌ترین آنها ذیلأ مطرح می‌گردد.

#### ۳-۳-۱. ایجاد یکپارچگی قضایی

تجهیزات الکترونیکی بخشی از دنیای مجازی‌اند که به صورت یکپارچه، جهان بزرگ را در نزد کاربران کوچک کرده‌اند. بنابراین طبیعی است که با دادرسی الکترونیکی همه تصمیمات و اقدامات قضایی یکپارچه و هماهنگ گردد. وظیفه یک قاضی خدمت به یک جامعه در محور اجرای عدالت بر اساس قانون است. منصب قضاوت این فرصت را در اختیار آنها قرار می‌دهد و این یک امتیاز است. جامعه تنها

۱. مؤذن‌زادگان، حسنعلی، «تضمینات حقوق دفاعی متهمان و امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی»، مجله حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۲۸، بهار ۱۳۸۹، ص. ۳۰۴.

زمانی نسبت به سلامت و ظرفیت دستگاه قضایی اعتماد حاصل می‌کند که آن جامعه تحت حاکمیت قانون اداره شود و این میسر نیست جز با اجرای صحیح قانون و نظارت مستمر و گسترده بر این اجرا.<sup>۱</sup> یکی از آثار پیوند مثبت دادرسی الکترونیکی دادرسی منصفانه ایجاد یکپارچگی قضایی است. صدور حکم یکسان در مورد پرونده‌های یکسان خود یکی از اصول و استانداردهای دادرسی منصفانه محسوب می‌شود که با کمک تجهیزات رایانه‌ای و فضای سایبر قاضی در حین رسیدگی می‌تواند به تمامی احکام صادره از کلیه دادگاه‌ها در موضوع مورد رسیدگی دست پیدا کند و از آن احکام اطلاع پیدا کند.

### ۲-۳-۲. افزایش دقت قضایی

تجهیزات الکترونیکی ابزاری برای دقت در کار هستند. در حال حاضر امور مهم و حساس از طریق رایانه اعمال می‌شود که همگی به دلیل دقت رایانه در مقایسه با انسان است. بنابراین در فرآیند قضایی، استفاده از تجهیزات الکترونیکی نه به معنای جایگزین کردن ماشین با انسان که استفاده از ماشین برای کمک به انسان که همان قاضی است، می‌باشد تا دقت و ظرافت در رسیدگی به پرونده‌ها حفظ شود. در واقع اوراق قضایی در پرونده‌ها به صورت ماشینی و در فضای مجازی درج می‌گردد و از اشتباهات فردی که در برخی موارد ممکن بود به تجدید جلسه دادرسی هم بیانجامد، جلوگیری می‌شود. همین طور امکان نظارت آنلاین بر عملکرد قضات و سایر کارکنان شعب، امکان آمارگیری لحظه به لحظه از عملکرد شعب می‌باشد.<sup>۲</sup>

### ۳-۳-۳. دسترسی فراگیر به اطلاعات و اسناد

در فضای مجازی که همه امور بیرونی در قالب اطلاعات در آمده‌اند، پایه و اساس همه چیز «داده» است. از طریق داده‌ها که نماد وقایع بیرونی است، دسترسی فراگیر به اسناد الکترونیکی و اطلاعات مورد نظر برای قاضی فراهم می‌شود. بنابراین «نمی‌توان انتظار داشت که یک قاضی به تمامی قوانین و رویه‌های قضایی موجود و مربوط به هر دعوا اشراف و تسلط کامل داشته باشد ... در عمل، عدم تسلط کافی قضات بر قوانین نه تنها باعث اطاله دادرسی می‌شود، بلکه باعث صدور آراء متفاوت در پرونده‌هایی با موضوع مشابه می‌شود. برای رفع مشکل مذکور اقدامات و پیشنهادهایی از جمله آنچه

۱. شاه حیدری پور، محمدعلی؛ همتی، مجتبی، شرح اصول رفتار قضایی (بنگلور)، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹، ص. ۴۵.

۲. افشارنیا، طیب؛ مبین، حجت، اطاله دادرسی و توسعه قضایی، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۸، ص. ۱۵۱.

به عنوان مکانیزه کردن یا خودکارسازی فرآیند دادرسی تعبیر می‌شود مطرح شده است، که تمامی مواد مربوط به یک موضوع و عنوان مجرمانه را گردآوری نموده و در حافظه رایانه گنجانده است و با وارد کردن عنوان مربوطه و فشار یک کلید تمامی موارد مربوط به آن عنوان در دسترس دادرس خواهد بود.<sup>۱</sup>

### ۳-۳-۴. تقویت علمی ضابطان دادگستری

در قانون آیین دادرسی کیفری، وظایف عدیده‌ای از آماده‌سازی پرونده کیفری تا اطلاع‌دهی از حقوق مقرر نسبت به اصحاب دعوی برای ضابطان پیش‌بینی شده است که عمده آنها به واسطه تجهیزات الکترونیکی انجام می‌شود و این تجهیزات به واقع فضای رابطه متهم و ضابط را تلطیف و انجام امور مرتبط با ضابطان که عموماً به کندی و با نظمی اندک پیگیری می‌شود را سامان می‌دهد که خود به تضمین بهتر حقوق متهم می‌انجامد. طبق ماده ۱۷ آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴/۷/۱: «مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه با هماهنگی دادستان کل کشور و دستگاه‌های مربوط و رعایت ملاحظات حفاظتی و امنیتی، بانک اطلاعات ضابطان دادگستری را به گونه‌ای که مقامات قضایی مرتبط با ضابطان بتوانند به آن دسترسی داشته باشند در سامانه پرونده قضایی (cms) پیش‌بینی و ایجاد می‌نماید.»

بر پایه آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مصوب ۹۵/۵/۲۴، در اجرای مواد ۱۷۵ و ۱۷۶ قانون آیین دادرسی کیفری، بخشی از وظایف ضابطان با سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی انجام می‌شود. در این مقررده سخا،<sup>۲</sup> سامانه‌های الکترونیکی است که بر بستر شبکه قابل دسترسی و استفاده برای طرفین دعوا، نماینده قانونی آنان، دفاتر خدمات قضایی، کارشناسان یا ضابطان قضایی جهت مدیریت و اجرای انواع خدمات قضایی از قبیل طرح شکایت یا دعوا، اعلام جرم، ارسال لوایح، ابلاغ اخطاریه و احضاریه است. ضابطان دادگستری بیشتر اقدامات زمینه‌ساز خود را از این پس با این سامانه انجام می‌دهند.

آگاهی ضابطان به تجهیزات الکترونیکی نه تنها شرط آماده‌سازی پرونده که در رعایت حقوق اشخاص نیز مؤثر است. برای نمونه ضابط می‌تواند با آگاهی از تجهیزات الکترونیکی به ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ عمل کند.

۱. گلدوست جویباری، رجب؛ اکبری، جهاندار، «عوامل انسانی اطلاع دادرسی در امور کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۹، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص. ۲۹۱.  
۲. سامانه خدمات الکترونیک قضایی

## نتیجه‌گیری

تجربه‌گرایی نظام قضایی و به طور ویژه آیین دادرسی کیفری، آن را بیشتر شبیه یک صنعت می‌کند. صنعتی به نام اتخاذ راهکارها و فنون نوین و نیز رویکردهای ظاهری، ملموس و پیشرفته در رسیدگی کیفری. چنین صنعتی در زمان ما با به طور ویژه با فضای سایبر و محیط تبادل اطلاعات پیوند تنگاتنگی یافته است و این پیوند به گونه‌ای است که گاه دادرسی کیفری الکترونیکی را در برابر دادرسی کیفری سنتی مطرح کرده است.

دادرسی کیفری الکترونیکی، رویکرد نوین در نزدیک‌سازی آیین دادرسی کیفری به تحولات اجتماعی و بهره‌گیری از امکانات و تجهیزات است. این شیوه هرچند می‌تواند چالش‌هایی را از جهت رعایت اصول سنتی دادرسی کیفری ایجاد کند، ولی برای اثبات و پیگرد جرایم و نیز تشریفات پیرامون دادرسی در دادگاه تأثیرگذار است. نمود دادرسی کیفری الکترونیکی در رویارویی با جرایم رایانه‌ای نیز غیرقابل انکار است؛ چرا که دادرسی الکترونیکی نسبت به همه جرایم و حتی دعاوی غیر کیفری نیز قابل اعمال است که در این میان، بیشترین سنخیت را با جرایم رایانه‌ای خواهد داشت. دلیل این امر در مشترک بودن بستر جرم و بستر اقدامات شکلی رویارو با جرم است. ولی در کنار دادرسی کیفری الکترونیکی، دادرسی جرایم رایانه‌ای نیز مطرح می‌شود که به طور اختصاصی برای رسیدگی به این دسته از جرایم است.

این طور به نظر می‌رسد که با عنوان «دادرسی الکترونیکی» دیگر نیازی به عنوان «دادرسی جرایم رایانه‌ای» نیست. هرچند می‌توان گفت که میان این دو رابطه عموم و خصوص من وجه برقرار است؛ چنان که در دادرسی الکترونیکی در مفهومی فرآیندمحور، تلاش می‌شود تا فرآیند رسیدگی کیفری نسبت به عموم جرایم با استفاده تجهیزات الکترونیکی و در فضای سایبر انجام شود، ولی در دادرسی جرایم رایانه‌ای در مفهومی پدیده‌محور، از امکانات و فرآیندها برای کشف، اثبات و پیگیری جرایم رایانه‌ای استفاده می‌شود که ممکن است بعضاً با فرآیند کیفری سنتی انجام شود.

در رابطه عموم و خصوص من وجه، دادرسی الکترونیکی و دادرسی جرایم رایانه‌ای، به طور مجزا قابل طرح هستند. ولی از سوی دیگر چون دادرسی جرایم رایانه‌ای، یکی از صورت‌های دادرسی کیفری افتراقی است (در قانون آیین دادرسی کیفری نیز از همین وجه مورد تأکید قرار گرفته است) وجه افتراق، استفاده از رایانه برای رسیدگی به جرم رایانه‌ای است. به سخن دیگر، همچنان که مرتکب با استفاده از رایانه، مرتکب جرم رایانه‌ای شده است؛ با بهره‌گیری از امکانات و ظرفیت‌های محیط



---

رایانه، به اتهام وی رسیدگی شود. در این صورت دادرسی جرایم رایانه‌ای در بطن دادرسی الکترونیکی قرار می‌گیرد و با آن رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار می‌کند. یعنی در جایی که برای اثبات جرایم رایانه‌ای از ادله سنتی استفاده شود. در این صورت مشمول قواعد ادله عام و سنتی است و هنگامی که از ادله دیجیتال و فرایندهای رایانه‌ای استفاده شود، خودبخود دادرسی الکترونیکی مطرح می‌شود.

نهایت اینکه دادرسی کیفری الکترونیکی، در مفهوم عام خود شامل دادرسی جرایم رایانه‌ای نیز می‌شود که با تقویت جنبه‌های مثبت و دیده‌بانی چالش‌های آن، می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای شکلی مؤثر در رویارویی به جرایم رایانه‌ای مطرح شود. به سخن دیگر، رویارویی با جرایم رایانه‌ای از طریق دادرسی کیفری الکترونیکی برخلاف دیگر راهکارهای مقابله‌کننده دیگر، مبتنی بر توازن است و نه تقابل صرف.

## منابع

- آشوری، محمد، «مفاهیم عدالت و انصاف از دیدگاه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، در: مجموعه حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت، زیر نظر محمد آشوری، چاپ اول، نشر گرایش، ۱۳۸۳.
- افشارنیا، طیب؛ مبین، حجت، اطاله دادرسی و توسعه قضایی، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۸.
- حیدری، الهام؛ اصل آزادی دلیل و ارزیابی دلیل در دادرسی کیفری ایران و انگلیس، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، پردیس قم دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
- خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۳.
- رضوانی، سودابه؛ آقا میرسلیم، مرضیه‌سادات، «کارآمدی خدمات الکترونیکی و فناوری ارتباطات و اطلاعات در حوزه عدالت کیفری»، در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری (مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها)، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
- روزنا، جیمز؛ و دیگران، انقلاب اطلاعات، امنیت و فناوری‌های جدید، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۹.
- شاه حیدری پور، محمدعلی؛ همتی، مجتبی، شرح اصول رفتار قضایی (بنگلور)، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹.
- شاهسوند، مهدی؛ خجسته‌بخت، مجتبی، سیستم مدیریت پرونده قضایی، تهران، انتشارات روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۸.
- طهماسبی، جواد، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۴.
- عالی‌پور، حسن، جزوه آیین دادرسی کیفری (دادرسی افتراقی)، دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه اصفهان، گروه حقوق، نیمسال نخست سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲.
- فلچر، جورج. پی، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، ترجمه سیدمهدی سیدزاده ثانی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۴.
- فیضی، کامران؛ مقدسی، علیرضا، دولت الکترونیک: بازآفرینی دولت در عصر اطلاعات، تهران، انتشارات ترمه، ۱۳۸۴.
- گلدوست جویباری، رجب؛ اکبری، جهاندار، «عوامل انسانی اطاله دادرسی در امور کیفری»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۹، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
- ماندل، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی، چاپ دوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۷۹.

- 
- محمدزاده، مهدی، «کارآمدی دادرسی در نظام عدالت کیفری»، در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری (مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها)، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
  - محمدیان، سارا؛ محمدرضاپور، بابک، «لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرایند کیفری ایران»، مجله پزشکی قانونی، دوره ۱۹، شماره‌های ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۹۲.
  - مؤذن‌زادگان، حسنعلی، «تضمینات حقوق دفاعی متهمان و امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی»، مجله حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۲۸، بهار ۱۳۸۹.
  - میرزاپور، سلیمان؛ حیدری، ولی، «بررسی کارآمدی دادرسی الکترونیک و تحقق آن به عنوان یکی از مولفه‌های شهر الکترونیک»، در: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری (مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت‌ها و چالش‌ها)، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.
  - ناجی زواره، مرتضی، دادرسی بی‌طرفانه در امور کیفری، تهران، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹.
- 
- Bennett, Colin, "Securitization and Surveillance: from Privacy Rights to Security Risks", in: *Transparent Lives: Surveillance in Canada*, AU Press, Athabasca University, 2014.
  - Calo, Ryan, *Digital Market Manipulation*, *George Washington Law Review*, vol. 82, 2014.
  - Crowell, James, "the Electronic Courtroom", *Journal of Science and Technology Law*, Boston University, vol. 10, 1998.
  - Fairfield, Joshua; Luna, Erik, "Digital Innocence", *Cornell Law Review*, vol. 99, 2014.
  - Hopwood, Shon, "The not so Speedy Trial Act", *Washington Law Review*, vol. 89, 2014.
  - Mason, Stephen, *Electronic Disclosure*, 3<sup>rd</sup> edition, LexisNexis Butterworth, 2012.
  - Paterson, Craig, *Understanding the Electronic Monitoring of Offenders*, VDM Verlag Dr. Muller Aktiengesellschaft, Saarbrucken, Germany, 2009.
  - Perrin, Bertrand; and others, "Electronic Evidence in Swiss Criminal Procedure", *Digital Evidence and Electronic Signature Law Review*, vol. 8, 2011.
  - Schellekens, Maurice, "Digital Watermarks as Legal Evidence", *Digital Evidence and Electronic Signature Law Review*, vol. 8, 2011.